

## متن پرسش

سلام علیکم استاد: ببخشید جمعه سوال زیر را ازتون پرسیدم که متاسفانه جوابتون را در ایمیل یا سایت دریافت نکردم «سلام استاد بزرگووارم: استاد من. پدر من میخوام دخترانه براتون درد و دل کنم چون بعد از شهادت سردار خیلی بهم ریختم و کسی هم نیست که بتونه آروم کنه و عمق غم و ناراحتیم را درک کنه. بخصوص وقتی اشکهای رهبرم را دیدم داغونم استاد. استاد دوستدارم جیغ بکشم. طغیان کنم علیه ظلم ظالم و حماقت مردم. استاد چرا باید در جامعه شرایطی رقم بخوره که آمریکای ملعون به خودش همچین جسارتی بده؟ اگر کشور ما در در اوج اقتدار داخلی بود همچین اتفاقی می افتاد؟ استاد چرا باید روح بلندی مثل سردار قربانی و شهید بشه تا به قول شما (در جلسه تفسیر سوره نبا) مردم ما بیدار بشند و از قبرهاشون بلند بشند؟ استاد مقصر این حماقت مردم در انتخاب یه رییس جمهور خاین کیه؟ چرا سپهد صیاد شیرازی و سردار در دولتهای لیبرالها (انتخاب و رای مردم) شهید شدند؟ استاد برادرم میگند این از بلوغ مردمی که خواستار انتقام سردار شدند اما آیا واقعا این بلوغ نباید خیلی خیلی زودتر اتفاق می افتاد؛ تا همچین هزینه ی سنگینی ندیم؟ استاد جان درسته که می فرمایید این انقلاب داره مسیر خودش را طی میکنه تا ان شاءالله پرچم انقلاب برسه به دست حضرت بقیة الله (عج) اما آیا واقعا همیشه سرعت و عمق این کار را افزایش داد؟ آیا واقعا نیروهایی که ادعای انقلابی و اسلامیشون میشه همگی از دل و جون دارند کار می کنند یا فقط دغدغه شون در سطح وظیفه شون (ساعت کاریشونه)؟! میدونید استاد من حس می کنم خیلی انگشت شمارند امثال سردار؛ (کسایی که خودشون را به آب و آتیش می زنند تا ظهور نزدیکتر بشه) استاد من دلم پره از نیروهای انقلابی، استاد من واقعا نمیتونم به این شور مراسم تشییع دلخوش بشم. این کمیت جو گیر میشن و میان تو صحنه ولی عمقی به اسلام پایبند نیستند. (استاد من به واسطه شغلم با افراد عامه خیلی در ارتباطم، به قرآن قسم خیلی دلم میگیره که اینقدر سطحی نگر و ظاهر بین هستند) مقصر این سطحی نگری را هم مدعیان بی عمل می دونم. مثلا یه نمونه ی خیلی نزدیکیش همین دیشب اتفاق افتاد. استاد دیشب در مراسم دعای کمیلی در یک هیئتی بودیم که قرار بود بعد از دعای کمیل یکی از مطرح ترین مداحهای کشور که هیئت سرشناسی هم در اصفهان و ایران دارند بیاد مداحی. خدا شاهده استاد در اون جماعت شاید ده نفر بودند که داشتند دعا را میخواندند و بقیه مردم داشتن با هم حرف میزدن. و حتی همون خادمهای هیئت معروف هم با هم حرف می زدند وقتی خیلی از این وضع ناراحت شدم که چقدر داره به مجلس دعای کمیل حضرت علی بی حرمتی میشه رفتیم به خانمهای هیئت گفتم لطفا به مردم بگید ساکت باشند حرمت نگه دارند در کمال تعجب و تاثیر

به من گفت «خانوم هنوز که مراسم شروع نشده و در ثانی ما موقع شروع مراسم (اومدن مداح معروف) کارمون شروع میشه» استادم. پدر معنوی من، دیشب می خواستم برای مظلومیت ائمه حضرت علی (ع) حضرت زهرا (س) واقعا داد بکشم و بگم لطفا خفقان بگیرید) یا مثلا خانمهای محجبه در متروی تهران که می خواستیم برای تشییع بریم با افراد بد حجاب برخورد های بدی می کردند و اونا را مورد تمسخر و تحقیر قرار می دادند! در صورتیکه خود سردار فرمودن «همون دختر بدحجاب دختر منه» استاد من با عقل ناقص خودم فکر می کنم یه زمانهایی واقعا باید داد کشید باید دعوا کرد. باید اخطار داد و یه افرادی را باید کشت تا بقیه همفکرهاشون حساب کار دستشون بیاد که اینقدر خیانت و حماقت بسه (آخه تا کی فقط کار بطئی آروم آروم انجام بدیم؟ کار فرهنگی درست ولی آیا همیشه باید اینقدر بی تفاوت از کنار مسایل رد بشیم تا کم کم مردم به این درک برسند که عمق اسلام کجاست؟) استاد آیا به نظر شریفتون من درست فکر می کنم؟! «من فکر می کنم در مواقعی که مثلا فردی مبتلا به خونریزی معده میشه و مشکل حاد اتفاق می افته و کار به حالت اورژانسی میکشه، درسته که باید عمق و ریشه اون بیماری را بررسی کنیم تا اون بیماری ریشه کن بشه ولی در حالت اورژانسی هم باید جلوی اون زخم و خونریزی را بگیریم تا حداقل فرد نمیره و بعد بریم سراغ ریشه های اون بیماری؟! همه ی حرفم اینه که استاد آیا این توقع من به جاست یا بیجا که ما (خودم و دوستان انقلابی و مدعیان انقلابی) باید خیلی خیلی سرعت و شدت عملکردهای انقلابی مون را بالا ببریم تا باز سردار دیگری را به راحتی از دست ندیم و یک هفته داغ باشیم و بعدش دوباره بریم سراغ کارهای روزمره مون؟ استاد گریه های رهبرم واقعا منا دیوونه میکنه. (فکر می کنم این گریه ها ادامه ی همون اشکهایی که جد مطهرشون شبها با چاهها شریک می شدند. این بغض همون بغض امام حسینیه که فرمودن کیست مرا یاری کند، وگرنه اگه همون اشک و بغض نبود، تا حالا منتقم خون حسین و منتقم مظلومیت شیعه ظهور کرده بودند و به حق وعده دادشون رسیده بودند. دعا کنید حداقل من کمترین یادم باشه امام منتظرند تا خونخواه شیعه باشند و حکومت حق الهی را در زمین پیاده کنند) ببخشید که مزاحمتون شدم ولی حقیقتا کلام روحانیتون آروم میکنه.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به طور شخصی در ایمیلتان اینطور جواب داده شد:

۲۶۱۴۹. باسمة تعالی: سلام علیکم: عرایضی در رابطه با فرمایشات جنابعالی به صورت جسته و گریخته در جواب سؤالهای کاربران شده است. عنایت داشته باشید که آن اشک، اشکِ سوگ و عزا نبود، اشک لقای بود که از طریق آن سردار شهید در افق جان عدهی زیادی از مردم ما به ظهور آمد. و در مورد شهادت آن عزیز خوب است به جوابی که عنوانش «راز تعجیل شهادت سردار» می باشد، رجوع فرمایید. موفق باشید

